

Gender Differences in Patience: A Developmental Study

✉ **Farhad Khormaei**  / Associate Professor in Educational Psychology, Shiraz University
khormaei@shirazu.ac.ir

Marzieh Sadeghzadeh / Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, Salman Farsi University, Kazerun
sadeghzadeh.mr@gmail.com

Fatemeh Azadi Dehbidi / Assistant Professor, Department of Psychology, Eqlid Higher Education Center
f.azadi@eghlid.ac.ir

Azam Farmani / PhD in Psychology, General Welfare Department of Fars Province, Social Emergency Office
azamfarmani3@gmail.com

Seyed Mehdi Poorseyed / Assistant Professor, Department of Psychology and Counseling, Farhangian University of Tehran
pourseyed@cfu.ac.ir

Received: 2025/01/02 - **Accepted:** 2025/03/26

Abstract

The present study aimed to investigate gender differences in patience and its components. For this purpose, 967 male and female students (317 elementary school students, 320 junior high school students, and 330 senior high school students) in Shiraz city and 444 students (142 boys and 302 girls) at Shiraz University, a total of 1411 participants, were selected using cluster random sampling. Students responded to the Child and Adolescent Patience Scale and college students responded to the Adult Patience Scale. Multivariate analysis of variance was used to analyze the data. The results showed that there is a significant difference in the total patience score and some of its components between girls and boys at different ages. In elementary school, girls' average scores for total patience and the components of perseverance, hesitation, and satisfaction were higher than boys'. In junior high school students, the average score of total patience and the components of perseverance, hesitation, and transcendence was higher in boys than in girls. Among high school students, the average score for total patience and the components of perseverance and patience was higher in boys than in girls. There was no significant difference in the total patience score among students, but in the components of transcendence and hesitation, the average score of girls was higher than that of boys, and in the satisfaction component, the average score of boys was higher than that of girls. The theoretical implications of this study are that different profiles of gender differences in patience and its components can be observed at different age periods.

Keywords: Patience, Endurance, Hesitation, Forbearance, Satisfaction, Transcendence.

تفاوت‌های جنسیتی در صبر: یک مطالعه تحلیلی

khormaei@shirazu.ac.ir

sadeghzadeh.mr@gmail.com

f.azadi@eghlid.ac.ir

azamfarmani3@gmail.com

pourseyed@cfu.ac.ir

فرهاد خرمائی  / دانشیار روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

مرضیه صادق‌زاده / استادیار گروه روان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه سلمان فارسی کازرون

فاطمه آزادی ده‌بیدی / استادیار گروه روان‌شناسی مرکز آموزش عالی اقلید

اعظم فرمانی / دکتری روان‌شناسی اداره کل بهزیستی استان فارس، دفتر اورژانس اجتماعی

سیدمهدی پورسید / استادیار گروه آموزش روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان تهران

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۳ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۰۶

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی تفاوت‌های جنسیتی در صبر و مؤلفه‌های آن انجام شده است. بدین منظور ۹۶۷ دانش‌آموز دختر و پسر (۳۱۷ نفر مقطع ابتدایی، ۳۲۰ نفر مقطع متوسطه اول و ۳۳۰ نفر مقطع متوسطه دوم) شهر شیراز و ۴۴۴ دانشجو (۱۴۲ پسر و ۳۰۲ دختر) دانشگاه شیراز و در مجموع ۱۴۱۱ مشارکت‌کننده به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و دانش‌آموزان به مقیاس صبر کودک و نوجوان و دانشجویان به مقیاس صبر بزرگسالان پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل واریانس چند متغیره استفاده گردید. نتایج نشان داد که در سنین مختلف تفاوت معنی‌داری در نمره کل صبر و برخی مؤلفه‌های آن بین دختران و پسران وجود دارد. در مقطع ابتدایی میانگین دختران در نمره کل صبر و مؤلفه‌های استقامت، درنگ و رضایت بالاتر از پسران بود. در دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول میانگین نمره کل صبر و مؤلفه‌های استقامت، درنگ و متعالی شدن در پسران بیش از دختران بود. در دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم نیز میانگین نمره کل صبر و مؤلفه‌های استقامت و شکیبایی در پسران بیشتر از دختران بود. در دانشجویان نیز از لحاظ نمره کل صبر تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد، اما در مؤلفه‌های متعالی شدن و درنگ میانگین نمره دختران بیشتر از پسران و در مؤلفه رضایت میانگین نمره پسران بیشتر از دختران بوده است. تلویحات نظری این پژوهش آن است که نیم‌رخ‌های متفاوتی از تفاوت‌های جنسیتی در صبر و مؤلفه‌های آن در دوره‌های مختلف سنی می‌توان مشاهده نمود.

کلیدواژه‌ها: صبر، استقامت، درنگ، شکیبایی، رضایت، متعالی شدن.

صبر سازه‌ای مهم در حوزه روان‌شناسی است که هم از منظر خطامشی کلان تربیتی و هم از دیدگاه تحولی مورد علاقه پژوهشگران مختلف قرار دارد. بررسی سازه صبر و موضوعات مرتبط با آن شاید از این رو اهمیت ویژه‌ای یافته است که امروزه برخی از برنامه‌های تربیتی به‌طور تلویحی ناشکیبایی کودک را پیش‌فرض گرفته‌اند و بالتبع بر ارائه نتایج فوری و آنی برای ترغیب انگیزه در وی تأکید می‌ورزند (Betinger & Slonim, 2007). این پیش‌فرض تکیه بر پاداش‌های طولانی‌مدت تربیتی را از قلمروی توجه مربیان و والدین دور می‌سازد. این در حالی است که پیشینه پژوهشی موجود نشان می‌دهد که صبر با مجموعه بسیار گسترده‌ای از پیامدهای تربیتی در ارتباط است (صادق‌زاده و دیگران، ۱۳۹۹؛ خرمائی و دیگران، ۱۳۹۴؛ خرمائی و آزادی‌دهبیدی، ۱۳۹۶؛ آربزی و خرمائی، ۱۴۰۰؛ صادق‌زاده و دیگران، ۱۴۰۰؛ خرمائی و دیگران، ۲۰۱۷).

برخی از پژوهش‌ها نقش صبر را در رشد کودک و برخی از پیامدهای تربیتی همچون نمرات آزمون پیش‌دبستانی (Flynn, 1985)، عملکرد تحصیلی (Mischel et al., 1989) و حتی نمرات GPA (Kirby et al., 2005) مورد بررسی قرار داده‌اند. هرچند اکثر این پژوهش‌ها به واقع نتایج مربوط به پیگیری آزمایش معروف مارش‌مالو را پس از دوره‌های زمانی چندساله مورد توجه قرار داده‌اند، با این همه به‌خوبی بر این واقعیت صحنه می‌نهند که چنانچه کودکی در سنین ۵-۴ سالگی در جریان آزمایش فوق، انتظار و تأخیر بیشتری را برای دریافت شیرینی دوم نشان داده باشد، در نوجوانی توسط والدین خویش با ویژگی‌هایی همچون شایستگی تحصیلی و اجتماعی، کلام روان و نافذ، دقت، برنامه‌ریزی و منطق و همین‌طور توانایی در مواجهه با ناکامی و اضطراب توصیف خواهند شد (Funder et al., 1983; Mischel et al., 1988). به‌علاوه پس از گذر چهل سال هنوز هم می‌توان انتظار داشت که این کودکان به‌عنوان یک بزرگ‌سال کمتر به مصرف مواد مخدر روی آورده، کمتر از اضافه وزن رنج برده و یا در مقایسه با همسالان خویش با احتمال پایین‌تری از همسر خود جدا شده باشند (Mischel et al., 2011). چنین یافته‌هایی این گمانه را در ذهن پژوهشگران ایجاد نموده است که به‌جای گریز از مفهوم زمان در پیامدها و پاداش‌های تربیتی، بایستی بر این نتیجه اصرار ورزید که صبر کودک یا توانمندی وی در توقف پاسخ یا تأخیر در ارضای خواسته‌ها، به‌احتمال زیاد منفعت‌های مداومی را در گستره زندگی وی رقم خواهد زد. البته باید توجه داشت که قریب به‌اتفاق پژوهش‌های تجربی در حوزه صبر از برداشت فرهنگ غربی از صبر ریشه گرفته است، که صبر را برابر با انتظار دستیابی به پاداش یا به تأخیراندازی خواسته‌های کنونی در نظر می‌گیرند و صبر را توانش موجود زنده در به تأخیراندازی برخی از خواسته‌ها به‌منظور دستیابی به پاداش‌های سطح بالاتر در آینده‌ای نزدیک (Schnitker et al., 2019) و یا چشم‌پوشی از منافع زمان حال به‌منظور به‌دست آوردن پاداش‌های ارزشمندتر در آینده (Rosati et al., 2007) تعریف می‌کنند. در روان‌شناسی تجربی غرب بنیان‌های صبر بر تاریخچه تکاملی انسان استوار گشته است، اما

در عین حال در سال‌های اخیر توجه پژوهشگران غربی به مقوله اخلاق به‌عنوان ویژگی بارز صبر جلب شده است. ادیان مهم دنیا نیز صبر را به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی و ظرفیت مقابله با سختی‌ها در نظر می‌گیرند (Comer & Sekerka, 2014). کومر و سیکرکا (۲۰۱۴) اشاره می‌نمایند که صبر در دوران جدید مورد غفلت قرار گرفته است. این اندیشه در رویکرد دوم که در ادامه مطرح است، بیشتر مورد توجه است.

البته بایستی در نظر داشت که سازه صبر با دو رویکرد کاملاً متفاوت مورد توجه قرار گرفته است؛ بدین ترتیب که در بخش بزرگی از ادبیات پژوهشی با ترجیحات زمانی افراد گره خورده و از آن به‌عنوان معاوضه گزینیهایی یاد می‌شود که در طول زمان ارائه می‌گردند. نمونه مشخص این رویکرد را می‌توان در آزمایش مارش مالو یا پژوهش‌هایی دید که به تأسی از آن، کودک را در میان یک وعده خوراکی مطلوب، اما اندک در زمان حال و مقدار بیشتری از آن در زمان آینده مخیر نموده و میزان صبر یا توان متوقف ماندن وی را به مشاهده می‌نشینند (به‌طور مثال پژوهش Kosse & Pfeiffer, 2012)؛ صورت دیگری از این ترجیحات زمانی نیز در قالب حق انتخاب کودک یا فرد بزرگسال از بین دو گزینه پولی ظاهر گردیده است، که یکی فی‌الحال یا در زمانی بسیار کوتاه به وی داده می‌شود و دیگری بعد از گذر مدت زمان معینی قابل حصول است، ولی به لحاظ ارزشمندی به طرز ملموسی از گزینه نخست و سوسه‌انگیزتر می‌نماید (به‌طور مثال پژوهش Bettinger & Slonim, 2007)؛ هرچند به‌رحال آنچه در هر دوی این‌ها به‌عنوان صبر مورد توجه قرار می‌گیرد، یک توانش پایه برای به تأخیر انداختن کامروایی (delay of gratification) است.

این موضوع از آنجا یک توانش پایه تلقی می‌گردد که پژوهش‌های متعددی ریشه‌های زیست‌شناختی آن را مورد تأیید قرار داده‌اند (به‌طور مثال Stevens, 2016؛ Tobin & Logue, 1994). برخی از این پژوهش‌ها حتی با تکیه بر تصویربرداری‌های MRI، صبر یا به عبارت دقیق‌تر، توانایی ترجیح یک نتیجه طولانی‌مدت بر یک پاداش آنی را ماحصل فعالیت حوزه‌های به‌خصوصی از مغز دانسته (McClure et al., 2004) و ردپای آن را در برخی از خویشتن‌اندان تکاملی انسان نیز تعقیب نموده‌اند (Stevens, 2016).

این توانش پایه و تکاملی بودن آن در رویکرد دوم نیز مورد ملاحظه قرار گرفته است؛ با این تفاوت که این بار صبر نه به‌عنوان یک سازه تک‌بعدی، بلکه همراه با مؤلفه‌های مختلف آن مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است. به‌عبارت‌دیگر، در رویکرد دوم باز هم توقف یا تأخیر در ارضای خواسته‌های لذت‌بخش به‌عنوان صبوری کردن در برخی موقعیت‌های خاص پذیرفته می‌شود، اما از صبر مفهوم بیشتری طلب می‌گردد که از یک حالت، وضعیت و یا تصمیم موقعیتی فراتر رفته و به‌مثابه صفتی در نظر گرفته می‌شود که در موقعیت‌های متنوعی از ماندن در یک ترافیک سنگین گرفته تا دست‌وپنجه نرم نمودن با یک بیماری صعب‌العلاج فعال‌سازی می‌شود (Schnitker, 2012)، و یا در مدل پنج عاملی صبر (خرمائی و دیگران، ۱۳۹۳)، صبر به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی که بر تعالی‌طلبی، شکیبایی، استقامت، رضایت و درنگ در موقعیت‌های

ناخوشایند و غیرقابل تحمل اشاره دارد نیز عنصر زمان و به تعویق‌اندازی برخی وسوسه‌ها برای دستیابی به اهداف سطح بالاتر مورد توجه قرار می‌گیرد. از آنجاکه ویژگی اصلی چنین موقعیت‌هایی نیز نه انتخاب میان دو پاداش - یکی فوری و دیگری آتی - بلکه سپری نمودن زمان در موقعیتی است که گریزی از آن متصور نیست؛ پس صبر دارای ابعاد یا مؤلفه‌های متعددی در نظر گرفته می‌شود که در نهایت با انواع مختلفی از موقعیت‌ها قابل انطباق است.

البته باید در نظر داشت که در چنین موقعیت‌های گریزناپذیری، صبر به واقع یک حالت متوازن را برقرار می‌سازد که می‌تواند متوسط دو سر مبالغه‌آمیز یک طیف؛ یعنی افراط در بی‌مبالاتی (excess of recklessness) و نداشتن وقفه در کار (deficiency of sloth) تلقی شود (Schnitker, 2012). در برقراری این حالت توازن نیز به‌طور حتم نمی‌توان از نقش راهبردهایی غفلت کرد که فرد به‌طور معمول در تنظیم خویش به کار می‌گیرد. در نظام شناختی - عاطفی شخصیت (cognitive-affective personality system) که فهم کلیه رفتارهای انسانی را منوط به درک جامع فرد، موقعیت و تعامل فی‌مابین فرد و موقعیت می‌داند (Mischel & Shoda, 1995)، صبر یا لاقل همان به تأخیر انداختن کامروایی، در اثر به کار بستن راهبردهای تنظیم‌گری «سرد» (cool regulatory strategies) امکان‌پذیر می‌شود که راهبردهایی شناختی، کنترل‌شده و ملایم تلقی می‌گردند؛ درحالی که راهبردهای تنظیم‌گری «گرم» (hot regulatory strategies)؛ یعنی واکنش‌های هیجانی، تکانشی و خودکار فرد، توان وی در به تأخیر انداختن کامروایی‌ها یا توقف پاسخ را به تحلیل می‌برند (Kross et al., 2011). در راهبرد «گرم»، شخص با وسواس تمام درباره آنچه او را فریفته ساخته، به‌ویژه جذاب‌ترین عناصر آن، می‌اندیشد و در نتیجه کمتر قادر است در برابر تصاحب فوری آن مقاومت ورزد، اما راهبرد «سرد»، ساختاردهی دوباره ادراک فرد از محرک اغواگر و پرت نمودن حواس وی را دربر می‌گیرد (Romer et al., 2010) و لذا احتمال توفیق فرد را در به تأخیر انداختن کامروایی خویش افزایش می‌دهد. از این‌رو می‌توان بر نقش راهبردهای شناختی در صبوری افراد و نیز تأثیر راهبردهای هیجانی بر ناتوانی مردم در صبوری ورزیدن در موقعیت‌های مختلف، تکیه نمود، اما کلیشه‌هایی که حتی تا به امروز از هیجانی بودن زنان روایت می‌کنند (Brody & Hall, 2008; Barrett & Bliss-Moreau, 2009)، در کنار پژوهش‌هایی که زنان را در تجربه‌های هیجانی خودآگاه توانمندتر می‌بینند (Brody & Hall, 2008; Ferguson & Eyre, 2000; Roberts & Goldenberg 2007)، یا بر برتری ایشان در کنترل نمودن و انضباط بخشیدن به خود تأکید می‌ورزند (Humphrey, 1982; Duckworth & Seligman, 2006)، این ابهام را در ذهن پرورش می‌دهند که در نهایت می‌توان انتظار صبر بیشتری را از این جنس داشت یا اصولاً در رابطه با صبر بایستی منتظر مشاهده یک تفاوت جنسیتی بود یا خیر.

البته پژوهش‌های متعددی تا کنون از وجود تفاوت‌های جنسیتی در مقوله‌های مختلف روایت کرده‌اند؛ چنان که برخی از بهره‌مندی زنان از مکان کنترل بیرونی و برخورداری مردان از یک مکان کنترل درونی خبر می‌دهند

(Nunn, 2004; Sherman et al., 1997; Gifford et al., 2006). البته حکایت تفاوت‌های جنسیتی در ادبیات پژوهشی موجود از آنچه در اینجا بیان گردید، بیشتر و پرتنوع‌تر است؛ حتی پژوهش‌هایی که به مفهوم‌سازی صبر با رویکرد نخست توجه نموده‌اند نیز نشانه‌هایی از این تفاوت‌ها را گزارش نموده‌اند؛ چنان که برخی از یافته‌های پژوهشی (Kirby & Marakovic, 1996; Bauer & Chytilova, 2013) نشان می‌دهد در رویارویی با شرایط آزمایشی مربوط به ترجیحات زمانی، زنان به‌طور معنی‌داری صبورتر از مردان ظاهر می‌گردند. سیلورمن (۲۰۰۳) نیز در پژوهش خویش به بررسی ۳۳ مطالعه‌ای می‌پردازد که طی آنها از آزمودنی خواسته شده است، بین یک پاداش کم و فوری و یک پاداش بزرگ، اما همراه با تأخیر زمانی یکی را انتخاب کند. نتایج مطالعه وی در این فراتحلیل نیز یک تفاوت جنسیتی ظریف؛ اما معنی‌دار را به نفع زنان نمایان ساخته است. البته وی تفاوت جنسیتی مشاهده‌شده در این پژوهش‌ها را تاحدودی به تفاوت دو جنس زن و مرد در بی‌ارزش نمودن تأخیر و نیز میزان بی‌توجهی و تکانشی بودن آنها وابسته می‌داند. بدین ترتیب که مورد نخست به‌عنوان یک ویژگی نسبتاً زنانه توصیف شده و مورد دوم نیز به‌طور معمول و با نمرات بیشتری در نزد افراد جنس مذکر بروز کرده است (Silverman, 2003).

از منظر برخی دیگر از پژوهشگران (Bjorklund & Shackelford, 1999) نیز توانایی بیشتر جنس مؤنث در بازداری پاسخ‌ها یا به تأخیر انداختن ارضای خواسته‌ها را می‌توان به راهکار ظریفی متناسب دانست که تکامل از بابت مراقبت از فرزندان در این جنس ایجاد نموده است. به‌هرحال نکته اصلی در مورد چنین پژوهش‌هایی، تمرکز آنها بر سازه صبر در مفهوم تأخیر در کامروایی‌ها، یعنی رویکرد اول است؛ درحالی‌که از چشم‌انداز رویکرد دوم و تلقی صبر به‌عنوان سازه پیچیده‌تری که خود دارای چند مؤلفه یا بعد متفاوت است، هنوز هم مطالب چندانی راجع به تفاوت‌های جنسیتی یافت نمی‌شود. پژوهش حاضر با توجه به این موضوع، تفاوت میان زن و مرد را در صبر و مؤلفه‌های آن مورد توجه قرار داده و به‌واسطه بررسی این تفاوت‌های جنسیتی در مقاطع سنی مختلف از نتایج چهار مطالعه مختلف سود جسته است. نکته اخیر؛ یعنی بررسی تحولی تفاوت‌های جنسیتی در صبر از آن‌رو اهمیت می‌یابد که از منظر پژوهشگرانی همچون داکورت و سلیگمن (۲۰۰۶) تفاوت‌های جنسیتی را نمی‌توان به‌عنوان پدیده‌ای مستمر و با دوام در سال‌های زندگی یک نسل از زنان و مردان در نظر آورد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف شناسایی تفاوت‌های جنسیتی در صبر دارای دو ویژگی خاص است: نخست اتخاذ یک رویکرد چندمؤلفه‌ای به سازه صبر است؛ دوم شناسایی تفاوت‌های دو جنس در چهار مقطع سنی مختلف است تا ملاحظه روند تحولی این تفاوت‌ها نیز امکان‌پذیر شود. بنابر آنچه گفته شد، این پژوهش به این پرسش پاسخ خواهد داد که روند تحولی صبر در سنین مختلف و همچنین زنان و مردان چگونه است؟ و آیا تفاوت‌های جنسیتی در تداوم و استمرار و یا تناوب در تحول صبر وجود دارد؟

روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی از نوع مطالعه‌ای رشدی (developmental studies) بود که با استفاده از طرح عرضی چهار گروه سنی دانش‌آموزان دوره‌های ابتدایی، متوسطه اول، متوسطه دوم و دانشجویان کارشناسی شهر شیراز انتخاب

شدند و تفاوت‌های جنسیتی در صبر و مؤلفه‌های آن در این گروه‌های سنی مورد مطالعه قرار گرفت. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چندمرحله‌ای بوده است که طی آن ۳۱۷ دانش‌آموز دوره ابتدایی (۱۴۸ دانش‌آموز پسر و ۱۶۹ دانش‌آموز دختر)، ۳۲۰ دانش‌آموز دوره متوسطه اول (۱۶۰ دانش‌آموز پسر و ۱۶۰ دانش‌آموز دختر)، ۳۳۰ دانش‌آموز دوره متوسطه دوم (۱۷۰ دانش‌آموز پسر و ۱۶۰ دانش‌آموز دختر) و ۴۴۴ دانشجوی دوره کارشناسی (۱۴۲ دانشجوی پسر و ۳۰۲ دانشجوی دختر) و در مجموع ۱۴۱۱ مشارکت‌کننده انتخاب شدند و به ابزارهای پژوهش پاسخ دادند. داده‌های پژوهش در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ تحلیل گردید و در چارچوب چهار مطالعه که تفاوت‌های جنسیتی در گروه‌های چهارگانه را بررسی نموده است، گزارش شده است. تمامی افراد به ابزارهای ذیل پاسخ دادند.

مقیاس صبر بزرگسالان (خرمائی و فرمائی، ۱۳۹۳): این مقیاس دارای ۲۵ گویه است که روی یک طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از کاملاً نادرست تا کاملاً درست نمره‌گذاری شده است. طراحان این مقیاس، جهت بررسی روایی آن از تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی توأم با چرخش واریماکس استفاده کرده‌اند، که نتایج بر وجود ۵ مؤلفه صبر؛ یعنی متعالی شدن، درنگ، استقامت، رضایت و شکیبایی دلالت داشته است. سازندگان ابزار به‌منظور سنجش پایایی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ، ضریب آلفا را برای کل مقیاس برابر ۰/۸۶ و برای زیرمقیاس‌ها بین ۰/۶۸ و ۰/۸۴ گزارش کرده‌اند (خرمائی و دیگران، ۱۳۹۳).

مقیاس صبر کودک و نوجوان (خرمائی و دیگران، ۱۳۹۳): این مقیاس بر مبنای مقیاس صبر بزرگسالان (خرمائی و فرمائی، ۱۳۹۳) تهیه شده است. مقیاس صبر کودک و نوجوان دارای ۳۶ گویه است که بر اساس طیف لیکرت از کاملاً درست تا کاملاً نادرست تنظیم شده است، و به سنجش صبر کودکان و نوجوانان در قالب پنج عامل استقامت، درنگ، متعالی شدن، شکیبایی و رضایت می‌پردازد. ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس بر روی نمونه‌ای از دانش‌آموزان مقاطع ابتدایی، متوسطه اول و دوم مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحلیل عامل اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی توأم با چرخش واریماکس از وجود پنج عامل استقامت، درنگ، رضایت، متعالی شدن و شکیبایی به‌عنوان مؤلفه‌های مختلف صبر حکایت می‌کند. پایایی کل مقیاس و مؤلفه‌های آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به‌دست آمده است. ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۵ و برای خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۶۲ تا ۰/۸۵ گزارش شده است (خرمائی و دیگران، ۲۰۱۷).

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش در چارچوب مطالعات ذیل گزارش شده است:

مطالعه اول

در نخستین مطالعه، نمونه پژوهشی شامل دانش‌آموزان دوره ابتدایی در بازه سنی ۹-۱۴ سال بودند. در این مطالعه برای اندازه‌گیری نمره کل صبر و مؤلفه‌های مربوط به آن، از مقیاس صبر کودک و نوجوان (خرمائی و دیگران،

۱۳۹۳) استفاده شده است. به منظور تحلیل داده‌های این پژوهش، نخست مفروضه‌های تحلیل واریانس چندمتغیری مورد بررسی قرار گرفت. جدول (۱) نتایج بررسی مفروضه همگنی واریانس متغیرهای وابسته در سطوح مختلف متغیر جنسیت را نشان می‌دهد.

جدول ۱: نتایج آزمون لوین جهت بررسی همگنی واریانس متغیرهای وابسته در سطوح مختلف متغیر جنسیت

متغیر وابسته	F	df1	df2	P
استقامت	۲/۱۱	۱	۳۱۵	۰/۱۴
درنگ	۲/۲۵	۱	۳۱۵	۰/۱۳
متعالی شدن	۰/۰۶	۱	۳۱۵	۰/۸۰
رضایت	۰/۷۳	۱	۳۱۵	۰/۳۹
شکیبایی	۰/۹۲	۱	۳۱۵	۰/۳۳
صبر	۰/۳۳	۱	۳۱۵	۰/۵۶

نتایج جدول (۱) عدم معنی‌داری نتایج آزمون لوین را گزارش می‌کند، و بیانگر برقراری مفروضه همگنی واریانس‌ها در سطوح مختلف متغیر جنسیت است. نتایج آزمون پیلایی نیز در تحلیل واریانس چند متغیری بر تفاوت معنی‌دار دختران و پسران دانش‌آموز در مؤلفه‌های صبر دلالت می‌نمود ($F=۶/۳۲$, $p=۰/۰۰۱$). برای بررسی تفاوت بین دختران و پسران دوره ابتدایی در مؤلفه‌های صبر از تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده گردید، که نتایج آن در جدول (۲) گزارش شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون تحلیل واریانس در بررسی تفاوت‌های جنسیتی در نمونه دانش‌آموزان دوره ابتدایی

مؤلفه‌های صبر									
P	F	میانگین مجدورات	درجات آزادی		مجموع مجدورات	انحراف معیار	میانگین	جنسیت	
۰/۰۰۰۱	۲۹/۷۱	۲۱۴۴/۲۲	۱		۲۱۴۴/۲۲	۸/۲۴	۴۰/۲۱	دختر	استقامت
						۸/۷۶	۳۵	پسر	
۰/۰۰۰۱	۲۰/۸۱	۱۹۱۵/۲۲	۱		۱۹۱۵/۲۲	۱۰/۱۶	۳۸/۶۹	دختر	درنگ
						۸/۸۹	۳۳/۷۶	پسر	
۰/۰۰۰۶	۷/۸۱	۸۳/۳۹	۱		۸۳/۳۹	۳/۳۹	۱۰/۶۵	دختر	رضایت
						۳/۱۱	۹/۶۲	پسر	
۰/۴۱	۰/۶۷	۱۲/۵۴	۱		۱۲/۵۴	۴/۴۲	۲۸/۲۵	دختر	متعالی شدن
						۴/۲۱	۲۷/۸۵	پسر	
۰/۰۰۷	۳/۱۳	۴۹/۶۲	۱		۴۹/۶۲	۴/۱۴	۱۲/۳۸	دختر	شکیبایی
						۳/۷۷	۱۱/۵۹	پسر	
۰/۰۰۰۱	۲۶/۲۰	۱۲۰۵۳/۱۹	۱		۱۲۰۵۳/۱۹	۲۱/۵۰	۱۳۰/۲۰	دختر	نمره کل صبر
						۲۱/۳۷	۱۱۷/۸۴	پسر	

چنان‌که از نتایج مندرج در این جدول نیز برمی‌آید، دختران و پسران از نظر مؤلفه استقامت تفاوت معنی‌داری با یکدیگر دارند ($F=29/71$, $p=0/001$)؛ بدین ترتیب که میان میانگین دختران ($40/31$) به طرز معنی‌داری از میانگین پسران (35) بالاتر است. در مؤلفه درنگ نیز تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($F=20/81$, $p=0/001$) و میانگین دختران ($38/69$) به‌طور معنی‌داری از میانگین پسران ($33/76$) بالاتر است. مشابه این الگو در مقایسه بین نمرات دختران و پسران در مؤلفه رضایت نیز تکرار شده و همراه با یک تفاوت معنی‌دار ($F=7/81$, $p=0/006$)، می‌توان مشاهده نمود که میانگین دختران ($10/65$) بالاتر از میانگین پسران ($9/62$) قرار می‌گیرد. در نهایت نیز نتایج آزمون نشان می‌دهد که نمره کل صبر بین دختران و پسران تفاوت معنی‌داری داشته ($F=26/20$, $p=0/001$) و میانگین دانش‌آموزان دختر ($130/20$) از میانگین پسران ($117/84$) به‌نحو معناداری بالاتر است.

مطالعه دوم

در مطالعه دوم، نمونه پژوهشی شامل دانش‌آموزان دوره متوسطه اول در دامنه سنی ۱۲-۱۵ سال بودند. از این دانش‌آموزان نیز درخواست گردید تا مقیاس صبر کودک و نوجوان را مورد مطالعه قرار داده و آن را تکمیل نمایند. جهت بررسی تفاوت بین دانش‌آموزان دو جنس در نمره کل صبر و نیز مؤلفه‌های مربوط به آن باز هم از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده گردید. جدول (۳) نتایج بررسی مفروضه همگنی واریانس متغیرهای وابسته در سطوح مختلف متغیر جنسیت را نشان می‌دهد.

جدول ۳: نتایج آزمون لوین جهت بررسی همگنی واریانس متغیرهای وابسته در سطوح مختلف متغیر جنسیت

متغیر وابسته	F	df1	df2	P
استقامت	۲/۶۱	۱	۳۲۱	۰/۱۰
درنگ	۷/۵۳	۱	۳۲۱	۰/۰۰۶
متعالی شدن	۰/۲۸	۱	۳۲۱	۰/۵۹
رضایت	۰/۳۶	۱	۳۲۱	۰/۵۴
شکبیایی	۲/۵۰	۱	۳۲۱	۰/۱۱
نمره کل صبر	۶/۴۸	۱	۳۲۱	۰/۰۱

نتایج جدول (۳) عدم معنی‌داری نتایج آزمون لوین را گزارش می‌کند، و بیانگر برقراری مفروضه همگنی واریانس‌ها در سطوح مختلف متغیر جنسیت است. نتایج آزمون پی‌لای نیز گواه وجود تفاوت معنی‌دار بین دانش‌آموزان دختر و پسر است ($F=3/97$, $p=0/002$). برای بررسی تفاوت بین دختران و پسران دوره متوسطه اول در مؤلفه‌های صبر از تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده گردید، که نتایج آن در جدول (۴) گزارش شده است.

جدول ۴: نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری در بررسی تفاوت‌های جنسیتی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول

P	F	میانگین مجذورات	درجات آزادی		مجموع مجذورات	انحراف معیار	میانگین			
						معیار				
۰/۰۱	۶/۶۲	۴۶۷/۲۹	۱		۴۶۷/۲۹	۸/۸۴	۳۴/۰۴	دختر	استقامت	۵۰
						۷/۹۲	۳۶/۴۴	پسر		

درنگ	دختر	۳۲/۲۲	۹/۷۹	۱	۹۳۶/۹۴	۱۱/۶۱	۰/۰۰۱
	پسر	۳۵/۶۳	۸/۰۸				
متعالی شدن	دختر	۲۵/۶۵	۴/۷۴	۱	۲۶۶/۴۹	۱۱/۲۰	۰/۰۰۱
	پسر	۲۷/۴۶	۳/۱۱				
شکیبایی	دختر	۱۱/۳۸	۳/۲۹	۱	۳/۹۴	۰/۳۰	۰/۵۸
	پسر	۱۱/۵۹	۳/۵۲				
رضایت	دختر	۹/۹۰	۳/۲۰	۱	۰/۰۶	۰/۰۰۷	۰/۹۳
	پسر	۹/۸۷	۳/۰۴				
نمره کل صبر	دختر	۱۱۳/۲۱	۲۱/۱۹	۱	۴۹۲۲/۱۷	۱۲/۵۱	۰/۰۰۰۱
	پسر	۱۲۱/۰۱	۱۸/۳۷				

چنان که در جدول (۴) نیز قابل مشاهده است، در مؤلفه استقامت، میانگین پسران ۳۶/۴۴ و میانگین دختران ۳۴/۰۴ است، که به صورت معنی داری با یکدیگر متفاوت هستند ($F=۶/۶۲$, $p=۰/۰۱$). در مؤلفه درنگ نیز میانگین پسران ۳۵/۶۳ و میانگین دختران ۳۲/۲۲ محاسبه گردیده که باز به صورت معنی داری با یکدیگر متفاوت هستند ($p=۰/۰۰۱$ ، $F=۱۱/۶۱$). این جدول همچنین نشان می دهد که بین دختران و پسران حاضر در این مطالعه از نظر مؤلفه متعالی شدن ($F=۱۱/۲۰$, $p=۰/۰۰۱$) نیز تفاوت آماری معناداری وجود دارد، که با توجه به اینکه میانگین دانش آموزان پسر (۲۷/۴۶) و میانگین دانش آموزان دختر (۲۵/۶۵) است، این تفاوت نیز به نفع پسران است. جدول (۴) همچنین نشان می دهد که در این مقطع نیز یک تفاوت جنسیتی معنی دار بین دختران و پسران وجود دارد ($F=۱۲/۵۱$, $p=۰/۰۰۰۱$)، که با توجه به میانگین های هر دو جنس (میانگین پسران ۱۲۱/۰۱ و میانگین دختران ۱۱۳/۲۱)، می توان گفت که نمره کل صبر برای پسرها به نحو معنی داری بالاتر از دخترهاست.

مطالعه سوم

در مطالعه سوم، نمونه پژوهشی شامل دانش آموزان دوره متوسطه دوم در دامنه سنی ۱۸-۱۶ سال بودند و در اندازه گیری نمره مربوط به صبر ایشان و همچنین مؤلفه های مربوط به آن نیز از مقیاس صبر کودکان و نوجوانان استفاده شد. جدول (۵) نتایج بررسی مفروضه همگنی واریانس متغیرهای وابسته در سطوح مختلف متغیر جنسیت را نشان می دهد.

جدول ۵: نتایج آزمون لوین جهت بررسی همگنی واریانس متغیرهای وابسته در سطوح مختلف متغیر جنسیت

متغیر وابسته	F	df1	df2	p
استقامت	۴/۷۰	۱	۳۲۸	۰/۰۳
درنگ	۰/۰۸	۱	۳۲۸	۰/۳۷
متعالی شدن	۵/۴۵	۱	۳۲۸	۰/۰۲
رضایت	۰/۲۹	۱	۳۲۸	۰/۵۸
شکیبایی	۰/۲۵	۱	۳۲۸	۰/۶۱
نمره کل صبر	۰/۴۱	۱	۳۲۸	۰/۵۲

نتایج جدول (۵) عدم معنی‌داری نتایج آزمون لوین را گزارش می‌کند، و بیانگر برقراری مفروضه همگنی واریانس نمره کل صبر و مؤلفه‌های مربوط به آن در سطوح مختلف متغیر جنسیت است. نتایج آزمون پیلایی نیز گواه وجود تفاوت معنی‌دار بین دانش‌آموزان دختر و پسر است ($F=3/97$, $p=0/002$). برای بررسی تفاوت بین دختران و پسران دوره متوسطه دوم در مؤلفه‌های صبر از تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده گردید، که نتایج آن در جدول (۶) گزارش شده است.

جدول ۶: نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری در بررسی تفاوت‌های جنسیتی در نمونه دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم

مؤلفه‌های صبر									
P	F	میانگین مجذورات	درجات آزادی		مجموع مجذورات	انحراف معیار	میانگین		
۰/۰۳	۴/۷۵	۲۹۱/۷۹	۱		۲۹۱/۷۹	۸/۴۸	۳۰/۵۵	دختر	استقامت
						۷/۱۶	۳۲/۴۳	پسر	
۰/۰۳	۴/۶۸	۵۴/۴۴	۱		۵۴/۴۴	۳/۵۳	۱۱/۵۲	دختر	شکیبایی
						۳/۲۸	۱۲/۳۳	پسر	
۰/۰۷	۳/۲۱	۱۷۸/۷۵	۱		۱۷۸/۷۵	۷/۴۳	۳۱/۵۷	دختر	درنگ
						۷/۴۸	۳۳/۰۴	پسر	
۰/۶۴	۰/۲۱	۶/۳۱	۱		۶/۳۱	۵/۹۵	۲۱/۸	دختر	متعالی
						۴/۸۸	۲۱/۴۶	پسر	
۰/۱۴	۲/۱۸	۱۷/۶۳	۱		۱۷/۶۳	۲/۸۵	۹/۹۱	دختر	رضایت
						۲/۸۲	۹/۴۴	پسر	
۰/۰۲	۴/۸۷	۱۲۰۶/۳۶	۱		۱۲۰۶/۳۶	۱۷/۲۳	۱۰۴/۷۵	دختر	نمره کل صبر
						۱۵/۵۱	۱۰۸/۷۳	پسر	

نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری (جدول ۶) جهت بررسی جایگاه این تفاوت نشان داد که در مورد نمونه دانش‌آموزان متوسطه دوم نیز به لحاظ نمره کل صبر، تفاوت معنی‌داری بین دختران و پسران وجود دارد ($F=4/87$, $p=0/002$)، که با توجه به بررسی میانگین هر دو گروه می‌توان گفت نمره کل صبر در پسران دانش‌آموز (میانگین ۱۰۸/۷۳) به‌نحو معنی‌داری از نمره کل صبر در دختران (میانگین ۱۰۴/۷۵) بالاتر است؛ همچنین چنان‌که جدول (۶) نیز نشان می‌دهد می‌توان گفت که در دو مؤلفه استقامت و شکیبایی نیز تفاوت جنسیتی معنی‌دار بین دختران و پسران وجود دارد. بدین‌ترتیب که در مؤلفه استقامت که بین میانگین دانش‌آموزان دبیرستانی پسر (۳۲/۴۳) و میانگین دانش‌آموزان دبیرستانی دختر (۳۰/۵۵)، تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($F=4/75$, $p=0/003$). در مؤلفه شکیبایی نیز بین دانش‌آموزان دو جنس با میانگین‌های ۱۲/۳۳ برای پسران و ۱۱/۵۲ برای دختران تفاوت آماری معناداری وجود دارد ($F=4/68$, $p=0/003$)، که به وضوح در اینجا نیز تفاوت به نفع دانش‌آموزان پسر است.

نتایج جدول (۸) نشان داد که تفاوت معنی‌داری در دو مؤلفه متعالی شدن و درنگ به نفع دختران و در مؤلفه رضایت به نفع پسران وجود دارد. بدین ترتیب که در مؤلفه متعالی شدن میانگین دانشجویان دختر ۲۹/۳۵ و میانگین دانشجویان پسر ۲۷/۴۴ بوده است و تفاوت این دو میانگین معنی‌دار است ($F=۱۶/۷۵$, $p=۰/۰۰۰۱$). بین دانشجویان دو جنس همچنین از نظر مؤلفه رضایت نیز تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($F=۵/۱۹$, $p=۰/۰۲$)، و میانگین پسران (۱۱/۷۳) در این مؤلفه به‌طور معنی‌داری از میانگین دختران (۱۱/۰۶) بالاتر است. نتایج جدول (۸) نشان می‌دهد که در مؤلفه درنگ نیز تفاوت جنسیتی معنی‌داری وجود دارد ($F=۱۴/۸۶$, $p=۰/۰۰۰۱$)، و این بار میانگین دختران (۹/۷۳) به‌نحو معنی‌داری از میانگین پسران (۹/۰۷) بالاتر است.

بحث و نتیجه‌گیری

چنان‌که پیش از این نیز گفته شد، چهار مطالعه یادشده با هدف شناسایی تفاوت‌های جنسیتی در صبر و مؤلفه‌های آن در یک روند تحولی انجام گرفته است، البته مطابق یافته‌های فوق، در هر مطالعه شواهدی مبنی بر وجود چنین تفاوت‌هایی خواه در نمره کل صبر و خواه در مؤلفه‌های مربوط به آن، نمایان گردیده است، اما به‌هر حال برجسته‌ترین نکته‌ای که با تأمل در این نتایج به نظر می‌رسد، عدم استمرار و تداوم تفاوت‌های جنسیتی است. برای دریافتن این موضوع کافی است که یافته‌های آماری چهار مطالعه را با یک دید کلی‌نگر مورد توجه قرار داد؛ بدین ترتیب که مطالعه نخست با نمونه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی، از وجود تفاوت معنی‌دار میان دو جنس، هم در نمره کل صبر و هم در برخی مؤلفه‌های آن (استقامت، درنگ و رضایت) خبر می‌دهد، که در همگی موارد با برتری نمره دانش‌آموزان دختر همراه است. این یافته با نتایج پژوهش‌های پیشین که صبر را تنها به تأخیر در کامروایی تعبیر نموده‌اند، هماهنگ است و می‌تواند همچون گذشته از چشم‌انداز تکاملی به ترفند خلاقانه طبیعت در نگاهداری نسل‌ها منتسب گردد (همچون Bjorklund & Shackelford, 1999)، یا از چشم‌انداز اجتماعی شدن، ماحصل شیوه متفاوت و صبورانه‌تر رفتار والدین با فرزندان دختر (Bauer & Chytilova, 2013)، یا تمایل بیشتر ایشان به سرمایه‌گذاری بر تحصیل و بهداشت فرزندان پسر (Morduch, 2000) تلقی گردد.

به‌هر حال نکته جالب در مورد یافته پژوهشی فوق آن است که در مطالعه دوم و سوم که دانش‌آموزان مقاطع متوسطه اول و دوم را به‌عنوان نمونه پژوهشی اختیار نموده، مجدداً تکرار نشده است. البته هر دوی این مطالعه‌ها باز هم بر وجود یک تفاوت معنی‌دار جنسیتی، هم در نمره کل صبر و هم در پاره‌ای از مؤلفه‌های مربوط به آن دلالت داشته‌اند، اما در هیچ‌کدام تفاوت آشکار شده به نفع دانش‌آموزان دختر نبوده است. به کلام دیگر در مطالعه دوم، نمرات بالاتر صبر چه در حالت کلی و چه در رابطه با نمرات مؤلفه‌های استقامت، درنگ و متعالی شدن به دانش‌آموزان پسر اختصاص داشته است و در مطالعه سوم نیز نمره کل صبر و نمرات استقامت و شکیبایی برای دانش‌آموزان پسر بالاتر بوده است.

این چرخش تفاوت جنسیتی را شاید بتوان به وضعیتی متناسب دانست که دختران دانش‌آموز در این دو مقطع سنی با آن مواجه هستند؛ چراکه به گواهی برخی پژوهش‌ها (Rosenblum & Lewis, 1999؛ Pritchard et al., 1997؛ Galambos, et al., 1990) تغییرات ناشی از بلوغ فیزیولوژیک، فشار بیشتری را بر دختران تحمیل ساخته و آنها را دچار ناراحتی، سردرگمی و حتی اعتراض می‌نماید. گذشته از این، به لحاظ اجتماعی نیز این مقطع سنی برای دختران با سرگشتگی‌های خاصی روبه‌روست که در مورد همسالان پسر آنها چندان محلی از اعتبار ندارد. به باور گیلیگان و دیگران (1990) زن‌ها به‌طور کلی در نوجوانی با یک دوراهی ویژه و بسیار چالش‌انگیز روبه‌رو می‌شوند؛ بدین ترتیب که از یک‌طرف با وسوسه توجه مداوم به روابط انسانی و تلاش جهت رفاه و رفع نیازهای دیگران روبه‌رو می‌شوند، که به لحاظ فرهنگی برای آنها یک ارزش محوری تعریف گردیده و درواقع برای آن تربیت شده‌اند؛ و از سوی دیگر، رویای توجه و ابراز به خود و نیازها و اهداف شخصی را در سر می‌پروراندند، که اگرچه اشتیاق زیادی را در آنها ایجاد می‌کند، اما درعین حال، به‌نوعی احساس طرد شدن و وانهادن زنانگی را نیز در آنها برمی‌انگیزد.

چنین چالشی اگرچه ممکن است در سرتاسر زندگی یک زن نمود پیدا کند، اما به‌طور خاص در دوران نوجوانی بروز می‌یابد و تا بزرگسالی نیز ادامه پیدا می‌کند. شاید به‌واسطه همین موضوع نیز باشد که در مطالعه چهارم نشانه معنی‌داری از تفاوت میان دو جنس در نمره کل صبر مشاهده نشده است. البته بروز تفاوت معنی‌دار جنسیتی در سه مؤلفه صبر، یعنی متعالی شدن، رضایت و درنگ باز هم نکته درخور توجهی به نظر می‌رسد. مورد اخیر به‌ویژه از آن‌رو اهمیت می‌یابد که در دو مؤلفه درنگ و متعالی شدن، نمرات بالاتر از آن دانشجویان دختر بوده است، اما در مؤلفه رضایت برتری با نمرات هم‌رده‌های مرد ایشان بوده است. به کلام روشن‌تر، شاید بتوان این گمانه را در ذهن پرورش داد که مؤلفه‌های مختلف صبر در نزد زن و مرد کارآیی‌های متفاوتی پیدا کرده و نمودهای مختلفی را ایجاد می‌کنند؛ بدین ترتیب که صبر زنان بیشتر بر مؤلفه متعالی شدن و درنگ استوار است، که اولی بنا به تعریف خرمائی و فرمانی (۲۰۱۶)، تاب آوردن دشواری‌ها و مصیبت‌ها به خاطر تعالی معنوی و رشدی است که در پس این سختی‌ها پنهان گردیده، و دومی به ایجاد وقفه یا مهار بر سر راه آرزوها و امیال درونی تعبیر می‌گردد. اما صبر مردان بیشتر بر مؤلفه رضایت تکیه دارد که باز هم بنا به تعریفی که از آن ارائه گردیده، قبول شرایط موجود بی‌شکایت و اعتراض است؛ چنان‌که گویی در حال حاضر باید چنین باشد و جایگزینی برای آن متصور نیست.

به نظر می‌رسد در برخی از پژوهش‌های گذشته نیز شواهدی مبنی بر نقش متفاوت صبر در زندگی زنان و مردان ظهور کرده باشد؛ چنان‌که در پژوهش فاندرو و دیگران (1983) پسرهایی که قادر به توقف در ارضای خواسته خویش در جریان آزمایش مارش مالو بودند، سال‌ها بعد اهل تأمل، دقیق، منطقی، محتاط، اهل مشارکت و به‌طور کلی قادر به تنظیم تکانه‌های انگیزشی و هیجانی توصیف می‌شدند؛ درحالی‌که دختران با همان توانایی در جریان آزمایش، بیشتر با ویژگی‌هایی همچون هوشمند، کاردان و باکفایت وصف گردیده بودند. البته در نهایت درستی تبیین فوق نیازمند

دقت و تأمل در نقشی است که صبر به همراه مؤلفه‌های مختلف آن در زندگی زنان و مردان بزرگسال ایفا می‌نماید. اما به‌هرحال یافته‌های چهار مطالعه انجام‌گرفته در این پژوهش، نخست بر ایده پژوهشگرانی همچون داکورت و سلیگمن (2006) صحنه می‌نهند، که همواره بایستی با تفاوت‌های جنسیتی با احتیاط بیشتری روبه‌رو گردید و به تداوم آنها در سالیان مختلف زندگی با دیده تردید نگریست؛ مضاف بر اینکه یافته‌های پژوهشی حاضر نشان می‌دهد در برخی مقاطع سنی حتی باید احتمال تغییر آهنگ این تفاوت‌ها از جنسی به جنس دیگر را نیز در نظر آورد.

ازجمله محدودیت‌های این پژوهش عدم همگنی واریانس‌ها در یک و یا دو مؤلفه صبر در برخی مقاطع سنی بوده است، که لازم است تبیین این مؤلفه‌ها در آن دوره سنی با احتیاط صورت گیرد. گذشته از این مورد، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که آنچه در ادبیات پژوهشی صبر در قالب تفاوت جنسیتی ثبت گردیده، به لحاظ اتخاذ رویکرد اول به مفهوم‌سازی این سازه و تلقی آن در یک بعد محدود، از دقت چندانی برخوردار نیست و با در نظر گرفتن رویکرد چندمؤلفه‌ای به صبر می‌توان چهره‌های متفاوتی را از تفاوت‌های دو جنس زن و مرد در این سازه به‌خصوص برداشت نمود. شاید حتی بتوان گفت که نتیجه‌گیری سیلورمن (2003) مبنی بر وجود یک تفاوت بسیار ظریف جنسیتی نیز باز به همین مفهوم‌پردازی خاص بازگشته و بی‌تردید تغییر تفاوت‌های جنسیتی در صبر در مقاطع سنی مختلف را به هیچ رو مورد توجه قرار نداده است.

منابع

- آربری، محسن و خرمائی، فرهاد (۱۴۰۰). رابطه ساختاری منش اخلاقی صبر و اهداف پیشرفت تحصیلی دانشجویان: نقش واسطه‌ای منبع کنترل. *راهبردهای توسعه در آموزش پزشکی*، ۸(۲)، ۴۱-۵۱.
- خرمائی، فرهاد و آزادی‌دهبیدی، فاطمه (۱۳۹۶). تبیین اهمال‌کاری تحصیلی دانشجویان بر اساس سازه دینی - اخلاقی صبر. *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۱۷(۱)، ۷۷-۹۲.
- خرمائی، فرهاد و دیگران (۱۳۹۴). پیش‌بینی اضطراب امتحان بر اساس مؤلفه‌های صبر با واسطه‌گری مؤلفه‌های اهداف پیشرفت در دانشجویان. *آموزش پژوهی*، ۱(۲)، ۵۰-۷۱.
- خرمائی، فرهاد و دیگران (۱۳۹۳). ساخت و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس صبر. *اندازه‌گیری تربیتی*، ۵(۱۷)، ۸۳-۹۹.
- صادق‌زاده، مرضیه و دیگران (۱۳۹۹). مؤلفه‌های صبر مادر و توان بدرفتاری با کودک: نقش واسطه‌ای ناراسا نظم‌جویی هیجانی. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۶(۶۳)، ۳۱۱-۳۱۹.
- صادق‌زاده، مرضیه و دیگران (۱۴۰۰). مدل ساختاری رابطه صبر با کفایت اجتماعی در دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم. *روان‌شناسی مدرسه و آموزشگاه*، ۱۰(۴)، ۹۹-۱۱۰.
- Barrett, L. F. & Bliss-Moreau, E. (2009). She's emotional. He's having a bad day: Attributional explanations for emotion stereotypes. *emotion*, 9(5), 649-658.
- Bauer, M. & Chytilova, J. (2013). Women, children and patience: Experimental evidence from Indian villages. *Review of Development Economics*, 17(4), 662-675.
- Bettinger, E. & Slonim, R. (2007). Patience among children. *Journal of Public Economics*, 121(3), 343-363.
- Bjorklund, D. F. & Shackelford, T. K. (1999). Differences in parental investment contribute to important differences between men and women. *Current Directions in Psychological Science*, 8(3), 86-89.
- Brody, L. R. & Hall, J. A. (2008). Gender and emotion in context. In M. Lewis, J. M. Haviland-Jones & L. F. Barrett (Eds.), *Handbook of emotions* (3rd ed., p. 395-408). New York, NY: Guilford Press.
- Comer, D. R. & Sekerka, L. E. (2014). Taking time for patience in organizations. *Journal of Management Development*, 33(1), 6-23.
- Duckworth, A. L. & Seligman, M. E. (2006). Self-Discipline Gives Girls the Edge: Gender in Self-Discipline, Grades, and Achievement Test Scores. *Journal of Educational Psychology*, 98(1), 198-208.
- Ferguson, T. J. & Eyre, H. L. (2000). Engendering gender differences in shame and guilt: Stereotypes, socialization, and situational pressures. In A. H. Fischer (Ed.), *Gender and emotion: Social psychological perspectives* (p. 254-276). Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Flynn, T. M. (1985). Development of self-concept, delay of gratification and self-control and disadvantaged preschool children's achievement gain. *Early Child Development and Care*, 22(1), 65-72.
- Funder, D. C., Block, J. H. & Block, J. (1983). Delay of gratification: Some longitudinal personality correlates. *Journal of Personality and Social Psychology*, 44(6), 1198-1213.
- Galambos, N. L., Almeida, D. M. & Peterson, A. C. (1990). Masculinity, femininity, and sex role attitudes in early adolescence: Exploring gender intensification. *Child Development*, 61(6), 1905-1914.

- Gifford, D. D., Briceno-Perriott, J. & Mianzo, F. (2006). Locus of control: Academic achievement and retention in a sample of university first-year students. *Journal of College Admission*, 191(1), 18-25.
- Gilligan, C., Brown, L. M. & Rogers, A. G. (1990). Psyche embedded: A place for body, relationships, and culture in personality theory. In A. I. Rabin, R. A. Zucker, R. A. Emmons & S. Frank (Eds). *Studying persons and lives*. New York: Springer.
- Humphrey, L. L. (1982). Children's and teachers' perspectives on children's self-control: The development of two rating scales. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 50(5), 624-633.
- Kirby, K. N. & Marakovic, N. (1996). Delay-discounting probabilistic rewards: Rates decrease as amounts increase. *Psychonomic Bulletin and Review*, 3(1), 100-104.
- Kirby, K. N., Winston, G. & Santiesteban, M. (2005). Impatience and grades: Delay-discount rates correlate negatively with college GPA. *Learning and Individual Differences*, 15(3), 213-222.
- Khormaei, F. & Farmani, A. (2016). Patience and its components in predicting bullying among primary school students. *International Journal of Behavioral Sciences*, 9(4), 215-219.
- Khormaei, F., Farmani, A., Yazdani, F. (2017). Predicting self-control on the basis of patience and its components among high school students. *Journal of Practice in Clinical Psychology*, 5(1), 11-16.
- Kosse, F. & Pfeiffer, F. (2012). Impatience among preschool children and their mothers. *Economics Letters*, 115(3), 493-495.
- Kross, E., Mischel, W. & Shoda, Y. (2011). Enabling Self-Control. In Maddux, James E.; Tangney, June Price. *Social Psychological Foundations of Clinical Psychology*. Guilford Press.
- McClure, S., Laibson, D., Lowenstein, G., Cohen, J. (2004). Separate neural systems value immediate and delayed monetary rewards. *Science*, 306, 503-507.
- Mischel, W., Ayduk, O., Berman, M. G., Casey, B. J., Gotlib, I. H., Jonides, J., Kross, E., Teslovich, T., Wilson, N. L., Zayas, V. & Shoda, Y. (2011). Willpower' over the life span: Decomposing self-regulation. *Social Cognitive and Affective Neuroscience*, 6(2), 252-256.
- Mischel, W. & Shoda, Y. (1995). A cognitive-affective system theory of personality: Reconceptualizing situations, dispositions, dynamics, and invariance in personality structure. *Psychological Review*, 102(2), 246-268.
- Mischel, W., Shoda, Y. & Peake, P. K. (1988). The nature of adolescent competencies predicted by preschool delay of gratification. *Journal of Personality and Social Psychology*, 54(4), 687-696.
- Mischel, W., Shoda, Y. & Rodriguez, M. L. (1989). Delay of gratification in children. *Science*, 244(4907), 933-938.
- Morduch, J. (2000). Siblings Rivalry in Africa. *The American Economic Review*, 90(2), 405-409.
- Nunn, G. D. (2004). Adult learners' locus of control, self-evaluation and learning temperaments as a function of age and gender. *Journal of Instructional Psychology*, 21(3), 260-264.
- Pritchard, M. E., King, S. L. & Czajka-Narins, M. (1997). Adolescence body mass indices and self-perception. *Adolescence*, 32(128), 863-880.
- Roberts, T. A. & Goldenberg, J. L. (2007). Wrestling with nature: An existential perspective on the body and gender in self-conscious emotions. In J. L. Tracy, R. W. Robins, & J. P. Tangney (Eds.), *The self-conscious emotions: Theory and research* (p. 389-406). New York, NY: Guilford Press.

- Romer, D., Duckworth, A. L., Sznitman, S. & Park, S. (2010). Can Adolescents Learn Self-control? Delay of Gratification in the Development of Control over Risk Taking. *Prevention Science*, 11(3), 319-330.
- Rosati, A. G., Stevens, J. R., Hare, B. & Hauser, M. D. (2007). The evolutionary origins of human patience: temporal preferences in chimpanzees, bonobos, and human adults. *Current Biology*, 17(19), 1663-1668.
- Rosenblum, G. D. & Lewis, M. (1999). The relations among body image, physical attractiveness, and body mass in adolescence. *Child Development*, 70(1), 50-64.
- Sherman, A. C., Higgs, G. E. & Williams, R. L. (1997). Gender differences in the locus of control construct. *Psychology and Health*, 12(2), 239-248.
- Silverman, I. W. (2003). Gender Differences in Delay of Gratification: A Meta-Analysis. *Sex Roles*, 49(9), 451-463.
- Schnitker, S. (2012). An examination of patience and well-being. *The Journal of Positive Psychology*, 7(4), 263-280.
- Schnitker, S., Ro, D., Foster, J., Abernethy, A., Currier, J., Witvliet, C., Luna, L., Putman, K., VanHarn, K. & Carter, J. (2019). Patient patients: Increased patience associated with decreased depressive symptoms in psychiatric treatment. *The Journal of Positive Psychology*, 15(3), 300-313.
- Stevens, J. R. (2016). Evolutionary pressures on primate intertemporal choice. *Proceedings of the Royal Society B*, 281(1786), 1-13.
- Tobin, H. & Logue, A. W. (1994). Self-control across species (*Columba livia*, *Homo sapiens*, and *Rattus norvegicus*). *Journal of Comparative Psychology*, 108(2), 126-133.